



University of Tehran Press

Comparative Law Review

Homepage: <https://jcl.ut.ac.ir>

Online ISSN: 2423-3404

Volume: 16, Issue: 1
Spring & Summer
2025

The Role and Performance of the Council Chamber in the Criminal Trial Process in Belgium

Mohammad Bagher Moghaddasi¹ | Ali Khaleghi² | Ehsan Ghasemi³

1. Department of law, Faculty of Humanities, University of Bojnord, Bojnord, Iran.
Email: mbmoghadasi@ub.ac.ir
2. Corresponding Author; Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: akhaleghi@ut.ac.ir
3. Department of Criminal Law, Catholic University of Louvain, Brussels, Belgium.
Email: ehsan.ghasemi@avocate.be

Article Info

Article Type:
Research Article

Received:

2024/05/20

Received in revised form:

2024/12/08

Accepted:

2024/12/18

Published online:

2025/06/22

Keywords:

*Criminal Procedure,
Belgium, Defense Rights,
Council Chamber,
Accused.*

Abstract

In Belgium, in addition to the investigating judge, the prosecutor, and the court judge, the Council Chamber is also provided in the criminal proceedings. The function of this chamber is to create a link between the preliminary investigation phase and the trial phase. The Council Chamber has jurisdiction only over felonies and misdemeanors. After the investigation is conducted by the public prosecutor's office and before the case is sent to court, this chamber reviews the case again to prevent cases with insufficient evidence of the defendant's guilt from being forwarded to court. Contrary to the initial assumption that it might be redundant and lead to delays in proceedings, this chamber plays a significant role in ensuring the defendant's rights by having the authority to issue various rulings, including dismissals, summonses to trial, annulments of evidence, and pre-trial detention. Although currently, due to a shortage of human resources in the judicial system of Iran—primarily stemming from a lack of financial resources to recruit new staff—the establishment of an institution similar to the Council Chamber in Iran may seem somewhat idealistic and perhaps unrealistic, familiarizing ourselves with the functioning of such an institution in Belgium (which is the subject of this article) can help us understand its advantages and make the establishment of this institution a possibility for the future under favorable conditions, or at least worthy of consideration and examination.

How To Cite

Moghaddasi, Mohammad Bagher; Khaleghi, Ali; Ghasemi, Ehsan (2025). The Role and Performance of the Council Chamber in the Criminal Trial Process in Belgium. *Comparative Law Review*, 16 (1), 149-170. DOI: <https://doi.com/10.22059/jcl.2024.376395.634637>

DOI

10.22059/jcl.2024.376395.634637

Publisher

The University of Tehran Press

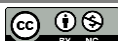




نقش و عملکرد شعبه شورا در فرایند دادرسی کیفری در بلژیک

محمدباقر مقدسی^۱ | علی خالقی^۲ | احسان قاسمی^۳^۱. گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران. رایانامه: mbmoghadasi@ub.ac.ir^۲. نویسنده مسئول؛ گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.رایانامه: akhaleghi@ut.ac.ir^۳. گروه حقوق کیفری، دانشگاه کاتولیک لوون، بروکسل، بلژیک. رایانامه: ehsan.ghasemi@avocate.be

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۳۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۸ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱ کلیدواژه‌ها: آیین دادرسی کیفری، بلژیک، حقوق دفاعی، شعبه شورا، متهم.	در بلژیک علاوه بر بازپرس و دادستان و قاضی دادگاه، شعبه شورا نیز در فرایند دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است. کارکرد این شعبه، ایجاد حلقه واسط میان مرحله تحقیقات مقدماتی و دادرسی است. شعبه شورا صرفاً در زمینه جنایات و جنحه‌ها صلاحیت دارد. این شعبه پس از انجام تحقیقات در دادسرا و قبل از ارسال پرونده به دادگاه، به بررسی مجدد پرونده پرداخته تا از ارسال پرونده‌هایی که ادله اندکی مبنی بر مجرمیت متهم دارند، به دادگاه جلوگیری شود. برخلاف تصور اولیه مبنی بر زائد بودن آن و ایجاد اسباب اطاله دادرسی، این شعبه با صلاحیت صدور قرارهای مختلف از جمله منع تعقیب، جلب به دادرسی، بطلان دلیل و بازداشت موقت، نقش مؤثری در تضمین حقوق دفاعی متهم دارد. هرچند که در حال حاضر به دلیل کمبود نیروی انسانی در دستگاه قضایی ایران که عمدتاً ناشی از کمبود منابع مالی برای جذب نیروی جدید است، پیش‌بینی نهادی نظیر شعبه شورا در ایران کمی آرمان‌گرایانه و شاید غیرواقع‌بینانه به نظر برسد، اما آشنایی با عملکرد چنین نهادی در بلژیک (که موضوع مقاله حاضر است) می‌تواند ما را با مزایای آن آشنا ساخته، این نهاد را در شرایط مطلوب در آینده قابل استفاده و یا دست‌کم قابل تأمل و بررسی سازد.
استناد	مقدسی، محمدباقر؛ خالقی، علی؛ قاسمی، احسان (۱۴۰۴). نقش و عملکرد شعبه شورا در فرایند دادرسی کیفری در بلژیک. <i>مطالعات حقوق تطبیقی</i> ، ۱۶ (۱)، ۱۴۹-۱۷۰. DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2024.376395.634637
DOI	10.22059/jcl.2024.376395.634637
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

فرایند دادرسی در نظام کیفری بلژیک از چهار مرحله جمع‌آوری اطلاعات، تحقیقات، رسیدگی و اجرای حکم تشکیل می‌شود که دو مرحله جمع‌آوری اطلاعات و تحقیقات، فرایند تحقیقات مقدماتی را تشکیل می‌دهند. جمع‌آوری اطلاعات برعهده دادسرا، تحقیقات برعهده قاضی یا قضات تحقیق، مرحله رسیدگی برعهده قضات رسیدگی کننده و اجرای حکم برعهده شعبه‌های حفاظت اجتماعی و دادگاه اجرای حکم است.^۱ مرحله تحقیقات مقدماتی پس از گزارش یا کشف یک جرم آغاز می‌شود که عموماً شامل جمع‌آوری ادله از سوی پلیس قضایی^۲ است که تحت نظارت و هدایت دادستان فعالیت می‌کنند. در ادامه اگر پرونده در خصوص جنحه یا جنایات باشد و نیاز به تحقیقات داشته باشد، به بازپرس ارجاع می‌شود. این قاضی مستقل بوده، صلاحیت انجام تحقیقات قضایی و اقدامات تحقیقاتی از قبیل تجسس، استراق سمع و بازجویی را دارد. بازپرس بی‌طرفانه عمل می‌کند و به دنبال اثبات حقایق است؛ خواه مظنون را متهم یا تبرئه کند. بعد از انجام این تحقیقات، بازپرس پرونده را به شعبه شورا^۳ که متشکل از قاضی تحقیق^۴ است، ارسال می‌کند. این شعبه وظیفه بررسی پرونده‌های کیفری و تصمیم‌گیری در مورد ارجاع آنها به دادگاه را برعهده دارد.

قدمت ایجاد شعبه شورا به قانون تحقیقات جنایی ۱۸۰۸ بازمی‌گردد که بر اساس ماده ۱۲۷ آن، شعبه شورا در تمام دادگاه‌ها تشکیل می‌شد و به‌عنوان شعبه اختصاصی برای تصمیم‌گیری راجع به ارسال پرونده‌های مربوط به جنایات فعالیت می‌کرد. در ابتدا شعبه شورا متشکل از سه قاضی نشسته از جمله قاضی تحقیق بود که وظیفه بررسی کفایت ادله برای ارسال پرونده به دادگاه کیفری را برعهده داشت. فلسفه پیش‌بینی حضور قاضی تحقیق در این شعبه، این بود که قاضی تحقیق اطلاعات جامعی در زمینه

۱. شخص تحت تعقیب در هریک از این مراحل نام مشخصی دارد. در مرحله جمع‌آوری اطلاعات، مظنون (suspect)؛ در مرحله تحقیقات، متهم به اتهام (inculpé)؛ در مرحله رسیدگی، متهم (prévenu)؛ و در مرحله اجرای حکم، محکوم‌علیه یا مجرم (condamné) نامیده می‌شود.

۲. نظام پلیس بلژیک به دو نوع پلیس فدرال و پلیس محلی تقسیم می‌شود. پلیس فدرال در سطح ملی عمل می‌کند و مسئول مأموریت‌هایی است که نیاز به رویکرد متمرکز یا تخصصی دارند. این پلیس به دو دسته، پلیس اداری و پلیس قضایی تقسیم می‌شود. پلیس اداری مسئول حفظ نظم عمومی بوده، زیر نظر شهردار فعالیت می‌کند و پلیس قضایی مسئول رسیدگی به جرایم و زیر نظر دادستان و قاضی تحقیق فعالیت می‌نماید.

3. Chambre du conseil.

۴. استفاده از دو واژه بازپرس و قاضی تحقیق برای تمایز میان این دو بخش از تحقیقات است. از این پس، واژه بازپرس ناظر به مسئول انجام تحقیقات قبل از ارسال پرونده به شعبه شورا، و قاضی تحقیق ناظر بر مسئول انجام تحقیقات در شعبه شورا خواهد بود.

پرونده داشت. با گذشت زمان اصلاحات زیادی در زمینه شعبه شورا صورت گرفت، به طوری که بر اساس قانون ۲۵ اکتبر ۱۹۱۹، رژیم قاضی واحد جایگزین تعدد اعضای شعبه شورا شد. علاوه بر این، در اصلاحات سال ۱۹۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری که به منظور کارایی بیشتر این قانون و تقویت حقوق و آزادی‌های اساسی صورت گرفت، شعبه شورا نیز دچار تغییراتی شد (Traest, 2018: 90). در این اصلاحات، مفهوم و سازوکار مذاکره بر سر مجازات ۱ وارد حقوق بلژیک شد که به دو طرف دعوا اجازه می‌داد تا با نقش آفرینی دادستان و قبل از شروع فرایند رسیدگی، در زمینه مجازات با یکدیگر مذاکره کنند. بر اساس این اصلاحات، نقش شعبه شورا بررسی قانونی بودن و متناسب بودن مجازات مورد مذاکره بود. به مرور زمان، نقش شعبه شورا پررنگ‌تر و به یکی از بازیگران مهم آیین دادرسی کیفری تبدیل شده است که وظیفه حمایت از حقوق و آزادی‌های اساسی و اثرگذاری هرچه بیشتر آیین دادرسی کیفری در فرایند کیفردهی را برعهده دارد. آخرین اصلاحات شعبه شورا در سال ۲۰۱۷ صورت گرفت و این شعبه را به یک مرحله مجزا برای بررسی پرونده قبل از تصمیم‌گیری برای ارسال پرونده به دادگاه تبدیل کرد. در واقع، این شعبه که در معیت دادگاه بدوی فعالیت می‌کند، حلقه اتصال مرحله تحقیقات مقدماتی به مرحله رسیدگی است. بررسی نقش و عملکرد این نهاد در فرایند دادرسی کیفری در بلژیک، موضوع مقاله حاضر را تشکیل می‌دهد.

۲. فلسفه ایجاد و صلاحیت شعبه شورا

در نگاه اول ممکن است تصور شود که پیش‌بینی شعبه شورا بعد از مرحله تحقیقات مقدماتی و پیش از رسیدگی دادگاه، صرفاً موجب طولانی شدن فرایند کیفری شده، نهادهای اضافی و بیهوده است. با این حال، این باور وجود دارد که این نهاد به منظور حمایت بیشتر از حقوق دفاعی متهم پیش‌بینی شده تا نهادهای مختلف مستقلاً در فرایند رسیدگی به اتهام، مداخله و اعلام نظر کنند و در نهایت، همسو با اصل برابری سلاح‌ها است (Beernaert, 2021: 201). علاوه بر این، پیش‌بینی شعبه شورا، نه تنها موجب اطاله دادرسی نمی‌شود، بلکه به آن سرعت می‌دهد؛ چراکه همانند یک فیلتر عمل کرده، از ارسال تعداد زیادی پرونده به دادگاه جلوگیری می‌کند. اگر شعبه شورا نبود و پرونده ارسالی به دادگاه به صدور حکم براءت منتهی می‌شد، زمان بیشتری از متهم بی‌گناه تلف می‌گردید، درحالی که با غربالگری و بررسی شعبه شورا صرفاً پرونده‌هایی به دادگاه ارجاع می‌شود که ارتکاب جرم تا حد زیادی محرز شده باشد. حتی چنانچه این نتیجه‌گیری صحیح باشد که ایجاد این نهاد موجب اطاله دادرسی خواهد شد، نمی‌توان به آن خرده گرفت، زیرا در این مورد، اطاله دادرسی در راستای حمایت از حقوق دفاعی متهم

است. از سوی دیگر، تعیین بازه‌های زمانی ۱۵ و ۳ روزه برای رسیدگی و اتخاذ تصمیم در شعبه شورا موجب می‌شود که زمان رسیدگی این شعبه کوتاه باشد و سهم این مدت نسبت به مجموع زمان فرایند کیفری ناچیز بوده، تأثیر چندانی در اطاله دادرسی نداشته باشد.

بر اساس مواد ۲۳ و ۲۴ قانون تحقیقات جنایی، شعبه شورا صلاحیت محلی دادستان و بازپرس را دارد؛ از این رو، هنگامی که شعبه شورا خارج از صلاحیت محلی خود تصمیم بگیرد، این تصمیم باطل خواهد بود (Cass., 30 janvier 1985, Rev. dr. Pén., 1985: 591). از نظر صلاحیت شخصی، شعبه شورا صلاحیت عمومی دارد و چنانچه پرونده‌ای در صلاحیت دادگاه اطفال یا سایر دادگاه‌های اختصاصی باشد، قرار عدم صلاحیت صادر خواهد کرد. از نظر صلاحیت ذاتی یا موضوعی نیز شعبه شورا صرفاً در زمینه جرایم با درجه جنایات و جنحه صالح است و در جرایم از نوع خلاف صلاحیت ندارد.

۳. فرایند حل و فصل و رسیدگی در دادسرا

هنگامی که بازپرس یا دادستان ختم تحقیقات را اعلام می‌کند، با توجه به ادله و مدارک موجود در خصوص پرونده اتخاذ تصمیم می‌شود.^۱ بر اساس ماده ۱۲۷ قانون تحقیقات جنایی، رسیدگی در دادسرا از دو مرحله تشکیل می‌شود: پیش از جلسه استماع و پس از جلسه استماع.

۳.۱. پیش از جلسه استماع

مطابق ماده ۱۲۷ قانون تحقیقات جنایی، هنگامی که بازپرس احتمال دهد که تحقیقاتش کامل است^۲، با صدور قرار ارجاع، پرونده را به دادستانی ارسال می‌کند تا دادستان بتواند در راستای حل و فصل پرونده تصمیم‌گیری کند؛ به این معنا که در خصوص قرار جلب به دادرسی یا سایر قرارهای قانونی تصمیم لازم را اتخاذ نماید.^۳ این تصمیم دادستان غیرقابل اعتراض است (Morlet, 1998: 85). زمانی که پرونده به

۱. بازپرس در تحقیقات خود مشمول ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نخواهد بود که رسیدگی منصفانه و علنی در مهلت زمانی معقول را به رسمیت می‌شناسد، نیست؛ مگر اینکه عدم رعایت این الزامات قبل از رسیدگی قاضی دادگاه موجب نقض رسیدگی عادلانه شود. با وجود این، برخی از قواعد دادرسی که برای تضمین احترام به حقوق دفاعی متهم در نظر گرفته شده است مانند اصل برائت، باید رعایت شود (Cass., 18 février 2009, Rev. dr. pén.: 870).

(Cass., 13 février 2002, Pas., I, n° 102)

۲. به منظور صدور حکم در مدت معقول و در صورتی که انجام تحقیقات به علل مختلف با کندی صورت می‌گیرد، مدعی‌العموم می‌تواند از قاضی تحقیق بخواهد که تحقیقات خود در زمینه برخی از متهمان را مختومه اعلام کند و پرونده را به دادستانی ارسال نماید. در صورت مخالفت قاضی تحقیق با این درخواست، دادستان حق تجدیدنظرخواهی از این تصمیم را خواهد داشت (Anvers (mis. acc.), 29 mars 2001, T. Strafr., 2003: 72).

۳. در عمل، گاهی تصمیم‌گیری دادستان در خصوص قرار جلب به دادرسی و یا قرار موقوفی تعقیب ماه‌ها به طول می‌انجامد

دادستان ارجاع می‌شود و دادستان در زمان معقول از صدور قرار لازم امتناع کند، بازپرس می‌تواند پس از اخطار غیررسمی به دادستان استان که تنها مرجعی است که می‌تواند به دادستان شهرستان دستور دهد، اعتراض کند. دادستان استان، رئیس دادرای در معیت دادگاه تجدیدنظر است و از نظر سلسله‌مراتب دستوراتش برای دادستان‌های شهرستان لازم‌الاجرا است.^۱

به‌موجب پاراگراف دوم ماده ۱۳۶ قانون تحقیقات جنایی، اگر دادستان پس از گذشت یک ماه در مورد پرونده تصمیم‌گیری نکند، شاکی خصوصی و نیز متهم امکان اعتراض به شعبه کیفرخواست^۲ را به دلیل طولانی شدن تحقیقات دارد. اگر شعبه کیفرخواست اعتراض را رد کند، شاکی خصوصی (و نه متهم) تا شش ماه حق اعتراض مجدد را ندارد، اما بعد از شش ماه مجدداً می‌تواند نسبت به تأخیر در انجام تحقیقات اعتراض کند. ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می‌تواند به دلیل این وضعیت در این مرحله

که از ادامه روند عادی پرونده جلوگیری می‌کند (Novelles, 1996).

۱. سازمان دادستان‌ها در بلژیک به دلیل ساختار فدرال این کشور پیچیده است. در بلژیک ۷ نوع دادستان وجود دارد: نخست، دادستان پادشاه (Procureur du Roi)، که رئیس دادرای در هر ناحیه قضایی است. این دادستان مسئولیت تعقیب جرایم کیفری در حوزه قضایی خود و نیز هماهنگی تحقیقات جنایی را برعهده دارد. در هر قسمت از مقاله که از واژه دادستان استفاده شده، منظور همین دادستان است. دوم، دادستان استان (Procureur général)، که رئیس دادرای نزد دادگاه تجدیدنظر است. او بر کل فعالیت دادستان پادشاه در حوزه قضایی خود نظارت دارد و نقش اساسی در اجرای عدالت کیفری ایفا می‌کند. سوم، دادستان فدرال (Procureur fédéral)، که مسئول تعقیب جرایم جنایی جدی مانند تروریسم، جرایم سازمان‌یافته و کلاهبرداری مالیاتی است. چهارم، دادستان نظامی پادشاه (Le procureur du Roi militaire)، که مسئول تعقیب جرایم مرتبط با نیروهای مسلح بلژیک است.

پنجم، دادستان کل نظامی (Procureur général militaire)، که بر فعالیت‌های دادستانی نظامی نظارت می‌کند. ششم، دادستان کل کشور (Le procureur général de la Cour de cassation)، که مسئول نظارت بر فعالیت‌های قضایی در دیوان عالی، بالاترین حوزه قضایی، در بلژیک است.

هفتم، دادستان دادگاه قانون اساسی (Procureur général près la Cour constitutionnelle)، که مسئول نمایندگی دولت در برابر دادگاه قانون اساسی است و به مسائل مربوط به قانون اساسی در بلژیک می‌پردازد.

۲. شعبه کیفرخواست «Chambre de mise en accusation» سازوکار مهمی در نظام کیفری بلژیک است که هدف از تأسیس آن حمایت از حقوق دفاعی متهم و پیشگیری از اشتباهات قضایی در فرایند رسیدگی به جرایم مهم است. این شعبه متشکل از سه مشاور دادگاه تجدیدنظر، دادستان یا یکی از نمایندگان وی و یک مدیر دفتر است. این شعبه وظیفه بررسی قانونی بودن فرایند کیفری انجام‌شده از سوی بازپرس یا قاضی تحقیق و تصمیم‌گیری در خصوص ارسال پرونده به دادگاه کیفری استان را برعهده دارد. این شعبه در معیت دادگاه تجدیدنظر مشغول فعالیت بوده و در سلسله‌مراتب نظام کیفری بلژیک، در میان بازیگران مرحله تحقیقات مقدماتی ایفای نقش می‌کند (Moghaddasi & Ghasemi, 2021: 669).

از دادرسی مورد نقض قرار گیرد (Voy. Cour eur. D.H., Stratégies et Communications et (DUMOULIN c. Belgique, 15 juillet 2002).

اگر دادستان پس از بررسی پرونده تشخیص دهد که تحقیقات کامل نیست، می‌تواند رفع نقایص آن را درخواست کند (Beernaert, 2010: 732). تصمیم‌گیری در خصوص این درخواست برعهده بازپرس است. اگر بازپرس این درخواست را نپذیرد، دادستان می‌تواند در شعبه کیفرخواست به تصمیم بازپرس اعتراض کند. اگر بازپرس تشخیص دهد که انجام تحقیقات تکمیلی موردنظر دادستان ضروری است، پس از انجام تحقیقات پرونده را مجدداً به دادستان عودت می‌دهد^۱، و تا زمانی که اقدام عمومی متوقف نشده باشد، دادستان همچنان می‌تواند تحقیقات اضافی را درخواست کند. به محض صدور قرار جلب به دادرسی از سوی دادستان و ختم تحقیقات مقدماتی، پرونده به شعبه شورا ارسال می‌شود و دفتر شعبه شورا ظرف ۱۵ روز با ارسال احضاریه^۲ تاریخ و ساعت و مکان رسیدگی به این قرار را تعیین و چنانچه متهم بازداشت باشد این مدت به ۳ روز کاهش می‌یابد. مدیر دفتر دادگاه از طریق فکس یا نامه سفارشی، به متهم، بزه‌دیده و وکلای آنها اطلاع می‌دهد که اصل پرونده و کپی آن در دفتر شعبه شورا در دسترس است و طرفین می‌توانند ظرف ۱۵ روز، و اگر متهم در بازداشت باشد ظرف ۳ روز پرونده را مطالعه کنند^۳. مطابق پاراگراف سوم ماده ۹۹ و تبصره ۶ ماده ۱۱۲ter^۴ قانون تحقیقات جنایی، طرفین در این مرحله از دادرسی، حق شنیدن نوار ضبط‌شده از استماع شاهدان یا قربانی را دارند. تخلف از این ماده موجب بطلان

۱. پس از انجام اقدامات تحقیقاتی تکمیلی، مجدداً پرونده به دادستان ارجاع می‌شود. دادستان تا زمانی که اقدام عمومی متوقف نشده است، می‌تواند دستور انجام تحقیقات بیشتر را صادر کند، صورتجلسه به پرونده پیوست کند، وقایعی که قاضی تحقیق متوجه آن نبوده را به قاضی تحقیق گزارش نماید یا افراد دیگری غیر از کسانی را که در قرار ارجاع قاضی تحقیق به آنها اشاره شده است، توقیف کند. (Cass., 8 mars 2006, P. 05.1673.F).

۲. احضاریه باید همراه با ترجمه‌ای باشد که به زبان طرفین پرونده است، در غیر این صورت، با ضمانت اجرای بطلان روبه‌رو خواهد بود. (Cass., 9 juin 1999, J.T., 1999: 697, Rev. dr. pén., 2000: 373, J.L.M.B., 1999: 1214).

۳. این مدت از سوی قاضی تحقیق و شعبه شورا قابل تمدید نیست (Cass., 24 avril 2001, J.T., 2003: 72).

۴. در متون قانونی بلژیک، اصطلاحات «bis»، «ter»، «quater» و ... بعد از شماره ماده، برای اشاره به مواد الحاقی به ماده‌ای از قانون استفاده می‌شود، همچنان که در قوانین فارسی از اصطلاح «مکرر» استفاده می‌شود. این اصطلاحات برگرفته از لاتین و به ترتیب به معنای دوم، سوم، چهارم و ... هستند. هنگامی که یک ماده قانون اصلاح می‌شود، اغلب ساده‌تر است که به جای سازماندهی مجدد تمام بخش‌های موجود، یک ساختار شماره‌گذاری پیوسته از بخش‌های قانون حفظ شود. در نتیجه، وقتی اصلاحیه‌ای در ماده‌ای از قانون انجام می‌شود، اگر اصلاحیه دوم این ماده باشد، از عنوان «ماده X bis» و اگر اصلاح سوم باشد، «ماده X ter» استفاده می‌شود. این عمل مدیریت و ارجاع قوانین اصلاح‌شده را آسان‌تر می‌کند و به متخصصان حقوقی اجازه می‌دهد تغییرات در قوانین را در طول زمان پیگیری کنند. همچنین نیاز به تخصیص مجدد شماره ماده در هر بار تغییر آن را از بین می‌برد و کار را برای قانون‌گذاران و وکلا ساده می‌کند.

قرار جلب به دادرسی: 1999: 1206, Rev. dr. pén., 1999: 1043) و فرایند رسیدگی خواهد شد -1985, R.W., 1985: 714, J.T., 1985: 22 mai (Cass., 1986: 116 et note A. VANDEPLAS, Rev. dr. pén., 1986).

در پرونده‌های سنگین یا تخصصی، به‌منظور پیشگیری از نقض حقوق دفاعی طرفین، دسترسی آنان و وکلایشان به پرونده به مدت چند هفته یا چند ماه، قبل از رسیدگی شعبه شورا قابل افزایش است. در این مرحله طرفین یا وکلای آنها حق اخذ رونوشت از تمام یا قسمتی از مدارک پرونده با هزینه شخصی را دارند. در این ۱۵ روز (یا ۳ روز در صورت بازداشت موقت متهم یا یکی از متهمان) که برای بررسی پرونده از سوی طرفین در نظر گرفته شده است، متهم و بزه‌دیده می‌توانند از قاضی تحقیق، انجام تحقیقات تکمیلی را مطابق ماده ۶۱quinquies قانون تحقیقات جنایی درخواست نمایند. پس از اتمام مدت ۱۵ یا ۳ روز، درخواست انجام تحقیقات تکمیلی قابل قبول نخواهد بود. در این صورت، همان رویه تحقیقاتی که در مرحله مقدماتی بر چنین درخواست‌هایی حاکم است، دنبال می‌شود. به عبارت دیگر، قاضی تحقیق می‌تواند با انجام چنین تحقیقات تکمیلی موافقت یا مخالفت نماید و در صورت مخالف بودن با انجام تحقیقات تکمیلی مورد درخواست طرفین، متقاضی اعم از متهم یا بزه‌دیده و دادستان حق اعتراض به این تصمیم را در شعبه کیفرخواست خواهند داشت. در صورت درخواست انجام تحقیقات تکمیلی از سوی طرفین، رسیدگی به پرونده متوقف می‌شود و شعبه شورا تا زمان تعیین تکلیف در خصوص این درخواست، اعم از انجام تحقیقات یا رد آن از سوی بازپرس، نمی‌تواند به قرار نهایی دادستان رسیدگی کند (Cass., 30 mai 2001, J.T., 2001: 839). در واقع، قبل از اینکه تحقیقات کامل شود تا شعبه شورا بتواند در خصوص قرار دادسرا تصمیم‌گیری کند، ابتدا باید درخواست انجام اقدامات تحقیقات تکمیلی از جانب بازپرس و در صورت لزوم از سوی شعبه کیفرخواست بررسی گردد. پس از انجام تحقیقات تکمیلی خواسته شده یا رد قطعی آن، پرونده مجدداً در دستور کار دفتر شعبه شورا قرار می‌گیرد تا تاریخ جدیدی برای رسیدگی تعیین شود و مطابق تبصره دوم ماده ۱۲۷ قانون تحقیقات جنایی، این موضوع به اطلاع طرفین می‌رسد. بنابراین، پرونده مجدداً در دسترس طرفین قرار می‌گیرد تا از محتویات پرونده و از نتایج تحقیقات تکمیلی مطلع شوند. در این مرحله امکان مجدد درخواست انجام تحقیقات تکمیلی برای طرفین وجود ندارد؛ هرچند که انجام این تحقیقات با توجه به محتوای تحقیقات تکمیلی انجام شده، ضروری باشد؛ مگر اینکه دادستان محتوای قرار نهایی صادر شده را تکمیل یا اصلاح کند؛ چراکه حقوق دفاعی طرفین ایجاب می‌کند تا رویه پیش‌بینی شده

۱. با این حال، شعبه کیفرخواست می‌تواند بر اساس مواد ۱۳۶ و ۲۳۵ bis قانون تحقیقات جنایی دستور تحقیقات جدید بدهد... قاضی تحقیق نیز تا زمانی که مسئولیت تحقیقات را برعهده دارد، می‌تواند دستور اقدامات تحقیقاتی جدیدی را صادر کند.

در ماده ۱۲۷ دوباره قابل اعمال باشد تا طرفین مهلت جدیدی برای مطالعه و بررسی پرونده و در صورت لزوم، درخواست انجام تحقیقات تکمیلی را داشته باشند (Bosly & et.al, 2010: 741). نهایتاً در صورتی که ظرف مهلت مقرر هیچ‌گونه درخواست انجام تحقیقات تکمیلی ارائه نشود، جلسه رسیدگی به قرار نهایی دادسرا در مهلت مقرر برگزار می‌شود.

۳.۲. پس از جلسه استماع

دکترین حقوقی بلژیک بر این باور است که رسیدگی شعبه شورا نه بر اساس قرار نهایی صادره دادستان، بلکه بر اساس گزارش نهایی بازپرس صورت می‌گیرد (Novelles, 1996) که شامل تشریفات قابل توجهی است. با این حال، دیوان عالی بلژیک معتقد است که شعبه شورا، نه بر اساس گزارش نهایی بازپرس (Cass., 17 juin 1986, Pas., 1986: 1289 et Cass., 26 août 2003, Rev. dr. pén., 2004: 394)، بلکه بر اساس قرار نهایی دادسرا (Cass., 4 avril 2006, Pas., 2006: 772) به پرونده رسیدگی می‌کند.

بازپرس از تحقیقات صورت گرفته به شعبه شورا گزارش می‌دهد و تکالیف صورت گرفته و نتایج آن را برای شعبه شورا تشریح می‌کند. بازپرس باید در زمینه عناصر اتهامی و عناصر تبرئه‌کننده به شعبه شورا گزارش دهد. برخی معتقدند که این گزارش از اهمیت بالایی برخوردار است، چراکه از جانب شخصی تهیه شده که در جریان تحقیقات، اطلاعات دقیقی از پرونده به دست آورده است (Braas, 1979).

دکترین و رویه قضایی بلژیک همیشه بر این اعتقاد بوده‌اند که گزارش نهایی بازپرس، فصل الخطاب تحقیقات مقدماتی است (Voy. en ce sens, Cass., 24 mars 1999, Rev. dr. pén., 2000: 935). در سال‌های اخیر دیوان عالی رویه خود را اصلاح کرده و بر این باور است که بازپرس زمانی فارغ می‌شود که شعبه شورا در خصوص پرونده و اقدام عمومی نهایی تصمیم‌گیری کند (De Nauw and et.al, 2015: 1136-1137).

اگر رسیدگی حضوری باشد، اصل رازداری حفظ می‌شود. رسیدگی شعبه شورا به صورت غیرعلنی است، یعنی پرونده بدون حضور اشخاص غیرمرتبط رسیدگی می‌شود؛ مگر اینکه شعبه شورا بر بازداشت متهم یا تعلیق صدور حکم نظر داشته باشد که در مورد آخر، شعبه شورا همچون قاضی دادگاه (قاضی نشست در مرحله رسیدگی) حکم صادر خواهد کرد. قرار صادره شعبه شورا مبنی بر ارسال پرونده به

۱. این اصل در هیچ متنی بیان نشده، اما ناشی از ماهیت تفتیش‌آمیز روند تحقیق و رویه‌ای است که همه آن را پذیرفته‌اند، اگرچه برخلاف مقررات قانونی متعددی بوده که علنی بودن جلسات دادرسی را در همه حوزه‌های قضایی پیش‌بینی می‌کنند (Aronstein, 1968: 38).

دادگاه کیفری برای رسیدگی، در جلسه علنی موجب ابطال آن خواهد شد (Cass., 12 octobre 1976). (Turnh. Rechtsl., 1978-1979: 228) ابهامی که مطرح می‌شود در مورد تأیید رسیدگی غیرعلنی و عدم تطابق آن با ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است. دیوان عالی و همچنین دادسراها در موارد متعددی بر این نظر بوده‌اند که ضمانت‌های پیش‌بینی شده در کنوانسیون صرفاً ناظر بر رسیدگی ماهوی است و نه تحقیقات مقدماتی (Cass., 9 février 1976, Pas., 1976: 932; Cass., 21 juin 2000, J.T., 2000: 788). این جلسه غیرعلنی مطابق با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بوده، در اکثر موارد با حقوق دفاعی متهم منطبق است. پس از احضار طرفین و استماع گزارش بازپرس، ادعاهای مطرح‌شده از سوی دادستان و طرفین پرونده مورد بحث و جدل قرار می‌گیرد. این جلسه با ادعاها و استدلال‌های بزه‌دیده و وکیل وی شروع می‌شود و سپس در صورت وجود مدعی خصوصی، با بررسی ضرر و زیان و خسارت‌های وی ادامه می‌یابد.^۱ در ادامه، دادستان از قرار نهایی صادره خود به صورت کتبی دفاع می‌کند که این قرار نهایی می‌تواند در خصوص ارسال پرونده نزد مرجع رسیدگی برای عنوان اتهامی، قرار بازداشت، قرار منع تعقیب یا قرار تعلیق تعقیب باشد. در نهایت، روند رسیدگی شعبه شورا معمولاً با اظهارات و دفاع متهم خاتمه پیدا می‌کند؛^۲ با این حال، چگونگی برگزاری جلسه به اختیار رئیس شعبه شورا است. متهم و بزه‌دیده می‌توانند لوائح کتبی نهایی خود را تحویل شعبه شورا دهند؛ با وجود این، هیچ الزام قانونی مبنی بر ثبت و صورتجلسه کردن اظهارات شفاهی طرفین در شعبه شورا وجود ندارد (Cass., 9 octobre 2002, Rev. (dr. pén., 2003: 288).

ممکن است صرفاً وکلای طرفین در جلسه حاضر شوند. چنانچه دفاعیات متهمان نه از سوی قاضی تحقیق استماع گردد و نه بازپرس و فقط به صورت ناقص از جانب آنها شنیده شود، مخالف اصل توافقی بودن نیست (Cass., 24 mars 2010, J.L.M.B., 2010: 1269). با این حال، شعبه شورا می‌تواند با صدور قرار غیرقابل اعتراض، طرفین دعوا را ملزم کند که شخصاً در جلسه حاضر شوند. این قرار از سوی دادستان به طرف موردنظر به همراه احضاریه ابلاغ می‌شود. اگر طرفین یا طرف موردنظر از حضور خودداری کند، شعبه شورا به رسیدگی ادامه داده، رأی صادره حضوری تلقی خواهد شد. با اعلام رأی حضوری، طرفین یا طرف موردنظر، حق اعتراض به قرار به صورت واخواهی را از دست می‌دهد. با وجود

۱. شاکی یا مدعی خصوصی (partie civile) کسی است که از ارتکاب جرم متضرر شده، شکایت خود را تقدیم یا مطالبه خسارت می‌کند.

۲. در صورتی که یکی از طرفین زبان دادرسی را درک نکند، ماده ۳۱ قانون ۱۵ ژوئن ۱۹۳۵ در مورد استفاده از زبان‌ها در امور قضایی، تعیین مترجم به صورت رسمی را پیش‌بینی کرده است.

این، ماده ۱۰۰ قانون تحقیقات جنایی پیش‌بینی کرده است که گزارش‌های بازجویی و فایل‌های سمعی و بصری، جایگزین حضور شخص در جرایم خاص از قبیل جرایم علیه افراد صغیر می‌شود و شعبه شورا نمی‌تواند چنین فردی را ملزم به حضور در جلسه رسیدگی کند.

به موجب ماده ۵ bis قانون تحقیقات جنایی، به شخص ثالثی که در نتیجه ارتکاب جرم متحمل خسارت مالی شده است، در شعبه شورا در خصوص روند پرونده اطلاع‌رسانی می‌شود. با این حال، این اطلاع‌رسانی به معنای حق دسترسی به پرونده و درخواست انجام تحقیقات تکمیلی همانند طرفین پرونده نیست. وی می‌تواند در شعبه شورا حاضر شده، به عنوان مدعی خصوصی، دریافت ضرر و زیان ناشی از جرم را درخواست کند. با این همه، چنانچه مشخص شود که قصد دیگری جز ورود به عنوان مدعی خصوصی برای دریافت ضرر و زیان ناشی از جرم دارد، حق صحبت و حضور در جلسه رسیدگی از وی سلب خواهد شد (Masset, 1998: 103-124).

شعبه شورا قبل از تصمیم نهایی، هویت متهم، قانونی بودن رسیدگی در مرحله تحقیقات مقدماتی، قابل پذیرش بودن درخواست ورود به عنوان مدعی خصوصی (Screvens, 2015: 531-556) و اتهامات متهم را بررسی می‌کند. شعبه شورا همچنین می‌تواند دلایل صدور قرار منع تعقیب و قرار موقوفی تعقیب را بررسی کند (Vander-Meersch Voy & Klees, 1998: 441). همچنین می‌تواند بررسی کند که پرونده شامل مرور زمان نشده باشد و اتهام مطرح‌شده جرم گروهی نباشد.

در این مرحله هم طرفین می‌توانند انجام تحقیقات تکمیلی را درخواست نمایند، مشروط به اینکه در ۱۵ روز قبل از جلسه، چنین درخواستی را مطرح نکرده باشند. در این خصوص شعبه شورا تصمیم‌گیری خواهد کرد. اگر شعبه شورا تشخیص دهد که تحقیقات کافی نیست، نمی‌تواند به بازپرس، دستور انجام تحقیقات تکمیلی را بدهد و فقط می‌تواند قرار تعلیق رسیدگی را صادر کند. اما اگر بازپرس ختم تحقیقات را اعلام کند، شعبه شورا تصمیم می‌گیرد که پرونده را به دادگاه ارسال یا قرار منع تعقیب صادر نماید.

شعبه شورا در مورد نحوه رسیدگی جلسه تصمیم‌گیری می‌کند (Morlet, 2010: 88). بر اساس پاراگراف سوم تبصره ۴ ماده ۱۲۷ قانون تحقیقات جنایی، اگر پرونده تحت نظر باشد، شعبه شورا روز اعلام نظر نهایی در خصوص پرونده را خواهد گفت. قرار صادره باید مستدل باشد، هرچند مشمول اصل ۱۴۹ قانون اساسی نباشد.^۱ با این حال، تا امروز دیوان عالی این استدلال آرای قضایی را به روش حداقلی پذیرفته است؛ چه برای قرار منع تعقیب و چه قرار جلب به دادرسی.

دیوان عالی بلژیک در سال ۲۰۱۱ رویه قضایی مهمی در زمینه مستدل بودن آرای قضایی با در نظر

۱. به موجب اصل ۱۴۹ قانون اساسی بلژیک، تمام آرای قضایی باید مستدل و مستند باشد و طبق شرایط مقرر در قانون به اطلاع عموم برسد. در امور کیفری آرای دادگاه‌ها به صورت علنی اعلام می‌شود.

گرفتن الزامات ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ایجاد و اعلام کرد که قاضی باید به‌طور مستدل در خصوص مجرمیت یا براءت متهم و دلایل اصلی این عقیده اعلام نظر کند (Cass., 8 juin 2011, J.T., 490: 2011). سوآلی که مطرح می‌شود این است که آیا این رویه قضایی به تصمیمات بازپرس در زمینه قرار جلب به دادرسی یا منع تعقیب قابل تسری است یا خیر؟ دادگاه اروپایی حقوق بشر مستدل بودن آرای قضایی را سنگری در برابر خودسری و عملی در راستای افزایش عدالت کیفری می‌داند. بنابراین مستدل بودن آرا باید به نحوی باشد که به طرفین و عموم مردم اجازه دهد تا بتوانند بدون مشکل آرای قضایی را متوجه شده، این آرا قابل فهم باشد (Cour eur. D.H., TAXQUET c. Belgique, 13 janvier 2009, J.T., 2009: 284). یادآور می‌شود که اصولاً ماده ۶ برای بازپرس اعمال نمی‌شود. در واقع با توجه به ماهیت واقعی آیین دادرسی، بازپرس صرفاً مسئول رسیدگی به اتهام‌های مندرج در شکوائیه است. این مطلب در مورد شعبه شورا هم صدق می‌کند؛ به این معنا که شعبه شورا همانند بازپرس نمی‌تواند به اتهاماتی جز اتهامات مندرج در شکوائیه رسیدگی کند. (Liège (mis. acc.), 30 avril 2003, J.T., 436: 2003). با این حال با توجه به اینکه دادستان اقدام عمومی را دنبال می‌کند و در فرایند تحقیقات می‌تواند به عناوین اتهامی جدید برخورد کند، دیوان عالی این قاعده را تعدیل کرده است. از این رو، دادستان می‌تواند بازپرس را از اتهامات جدید در جهت اقدام عمومی آگاه کند و شعبه شورا نیز تا آنجا که به آنها مربوط می‌شود به انجام وظایف خود می‌پردازد. بر همین اساس شعبه شورا می‌تواند پرونده افرادی را که موضوع تحقیقات نیستند به دادگاه ارسال کند. در نهایت، قضات تحقیق ملزم به پذیرش ارزیابی دادستان در خصوص وقایع و اتهامات نیستند و می‌توانند عدم صلاحیت را اعلام کنند. (Cass., 25 novembre 1974, Pas., 1975: 327 ; Cass., 29 avril 1998, Pas., 1998: 509)

۴. تصمیمات شعبه شورا

شعبه شورا در پایان رسیدگی می‌تواند تصمیمات مختلفی را اتخاذ کند؛ از جمله این تصمیمات به موارد زیر اشاره می‌شود:

۱.۴. قرار منع تعقیب

مطابق ماده ۱۲۸ قانون تحقیقات جنایی «در صورتی که قاضی تحقیق بر این عقیده باشد که رفتار موردنظر نه جنایت، نه جنحه و نه خلاف است یا هیچ عملی به متهم منتسب نباشد، قرار منع تعقیب صادر خواهد کرد»^۱. اگر فقدان جرم یا فقدان دلیل، موضوع منع تعقیب باشد، این امر در خصوص عدم کفایت دلیل نیز

۱. اگر تحقیقات انجام شده از سوی دادگاه تحقیق، نشان از عدم وجود یکی از عناصر تشکیل دهنده جرم به متهم باشد، این

صادق است (Jacobs, 2012: 262-266). متن ماده محدود نیست و در سایر موارد هم قاضی تحقیق می‌تواند قرار منع تعقیب صادر کند، از قبیل شرایط فعلی که نمی‌تواند تشکیل دهنده جرم باشد، علل موجهه جرم، اعتراف قبل از شروع دعوای عمومی (ماده ۱۳۶ قانون تحقیقات جنایی)، تسلیم شدن فرد (مواد ۱۳۶ و ۲۷۳ قانون تحقیقات جنایی)، سرقت زوجین از یکدیگر (که به موجب ماده ۴۶۲ قانون تحقیقات جنایی فقط موجب جبران خسارت می‌شود) یا فوت متهم، مرور زمان، عفو، اعتبار امر مختومه^۱ و یا هنگامی که انجام یک رسیدگی عادلانه غیرممکن باشد^۲. در این موارد یک مانع برای تعقیب متهم وجود دارد. (Kleiner mann, 2012: 401)؛ بنابراین شعبه شورا با توجه به شرایط پرونده می‌تواند قرار منع تعقیب نسبت به تصمیم دادستان اتخاذ کند. قرار یا رأی منع تعقیب باید مستدل باشد^۳، حتی اگر قرار یا رأی به معنا و مفهوم اصل ۱۴۹ قانون اساسی نباشد. قرار منع تعقیب موجب آزادی متهم می‌شود، اگرچه هنوز شعبه شورا در این خصوص تصمیم‌گیری نکرده باشد. با این حال، ممکن است این آزادی ۲۴ ساعت به تأخیر بیفتد که این ۲۴ ساعت مهلتی است که دادستان برای اعتراض به قرار در اختیار دارد. شعبه شورا با اعلام منع تعقیب، در مورد استرداد اشیای ضبط شده حکم می‌دهد، اما می‌تواند حکم به مصادره اشیای مضر، خطرناک و ممنوعه نیز بدهد (Kuty, 2023: 117). اگر شعبه شورا نسبت به کلیه اتهامات قرار منع تعقیب صادر نکرده باشد، رسیدگی به این اتهامات برعهده شعبه شورا است تا نسبت به تکمیل و اصلاح پرونده اعلام نظر کند. به موجب ماده ۱۶۲ قانون تحقیقات جنایی، در صورت قرار منع تعقیب و وجود شاکی خصوصی در پرونده، شاکی به پرداخت هزینه‌ها محکوم می‌شود. قرار منع تعقیب، موقتاً مانع تعقیب عمومی می‌گردد. البته این امر مانع از اقامه دعوی بزه‌دیده در دادگاه‌های مدنی نمی‌شود.

۲.۴. قرار جلب به دادرسی

هنگامی که که شعبه شورا بعد از بررسی تحقیقات به این نتیجه برسد که دلایل کافی برای انتساب اتهام به متهم وجود دارد، پرونده را برای رسیدگی به دادگاه صالح ارسال می‌کند. دیوان عالی بلژیک دلایل

موضوع دلالت بر نبود دلایل کافی است (Cass., 16 septembre 1987, J.T., 1987: 662).

۱. اگر شعبه شورا تشخیص دهد که از مهلت معقول تجاوز شده است، و این امر مانع از دفاع مؤثر متهم می‌شود، قرار رد تعقیب صادر می‌کند. به عبارت دیگر، تحقیقات علیه متهم باید در مدت زمان معقول صورت پذیرد. (Corr. Mons (ch. cons.), 23 décembre 2002, J.T., 2003: 629)

۲. دادگاه اروپایی حقوق بشر در پرونده Demoulin c. Belgique (۲۰۰۲) اعلام کرد تجاوز از مدت معقول در مرحله تحقیقات حتی منجر به نقض حق دادرسی عادلانه می‌شود.

۳. الزام به اقامه دلیل و مستدل بودن قرار در ماده ۱۲۸ قانون تحقیقات جنایی آمده است. همچنین نک:

(Cass., 27 novembre 1985, Pas., 1986: 384; Cass., 16 septembre 1987, Pas., 1988: 67; Cass., 7 décembre 1988, Pas., 1989: 378)

کافی برای انتساب اتهام به متهم را چنین تعریف می‌کند: اتهامات بررسی شده به‌حدی جدی است که محکومیت متهم محتمل به‌نظر می‌رسد و ادله باید به‌عنوان تمام عناصر جمع‌آوری شده در طول تحقیقات در نظر گرفته شود (Cass., 27 juin 2007, Rev. dr. pén., 2008: 69); بنابراین شعبه شورا نمی‌تواند بر اساس شک و تردید پرونده را به دادگاه ارسال نماید (Cass., 24 novembre 2011; 09.1060.F). شعبه شورا تنها بر اساس ادله مورد بحث قرار گرفته توسط طرفین پرونده و واقعیات موجود (Cass., 18 novembre 2009, Rev. dr. pén., 2010: 684) می‌تواند قرار جلب به دادرسی را صادر نماید. از این رو، شعبه شورا باید عناصر مادی و روانی متناسب به متهم را بررسی کرده، به ادله و درخواست‌های متهم رسیدگی کند. (Cass., 18 novembre 2009, Rev. dr. pén., 2010: 684)

به‌رغم اختیار شعبه شورا در رسیدگی به دلایل، این شعبه اجازه بررسی ماهوی اتهامات که در صلاحیت دادگاه‌های بدوی است را ندارد. قرار جلب به دادرسی باعث فراغت قضات تحقیق می‌شود به شرطی که اعتراضی در خصوص صلاحیت دادگاه وجود نداشته باشد. در ادامه، دادگاه بدوی همیشه ملزم به رعایت شرایط تخفیفی است که از سوی قضات تحقیق پذیرفته شده است. شعبه شورا موظف است در مورد کلیه اتهام‌ها و متهمان تصمیم‌گیری کند. این به آن معناست که قرار نهایی در خصوص ارزیابی اتهام‌ها و کلیه افراد دخیل در پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی است؛ در غیر این صورت، شعبه شورا باید رسیدگی را تعلیق کند (Corr. Bruxelles, 25 janvier 2011, J.L.M.B., 2011: 1551). اگر شعبه شورا در مورد یکی از متهمان تصمیم‌گیری نکند، نمی‌توان چنین تلقی نمود که نظر شعبه شورا بر منع تعقیب است و باید در زمان معقول در این خصوص تصمیم‌گیری نماید. همچنین شعبه شورا در قرار نهایی خود باید دقیقاً مواد قانونی را که از سوی متهم یا متهمان نقض شده یا قصد نقض آن وجود داشته است، ذکر نماید؛ در غیر این صورت، با ضمانت اجرای بطلان روبه‌رو خواهد بود. مشکلی که بارها در خصوص جرایم مالیاتی و آیین‌نامه‌های اجرایی آن وجود دارد (Spreutels, Roggen, 2015: 831). شعبه شورا موظف است ضمن احترام به اصول عمومی مرتبط با اصل برائت، از تحمیل اتهام موردنظر بر متهم خودداری کرده، به ذکر دلایل و مستندات که علیه متهم وجود دارد و ارسال پرونده برای رسیدگی به دادگاه را توجیه می‌کند، اکتفا نماید (De Codd, 2006: 137).

۳.۴. ارسال پرونده به دادگاه پلیس

در سه حالت پرونده به دادگاه پلیس ارجاع داده می‌شود. نخست، چنانچه اتهام‌ها تخلفات ساده پلیسی باشند (ماده ۱۲۹ قانون تحقیقات جنایی). اگر متهم در بازداشت باشد، شعبه شورا باید دستور آزادی وی را صادر نماید. دوم، در صورتی که اعمال و وقایع مورد اتهام از جنبه‌های داخل در صلاحیت دادگاه پلیس باشند. برای مثال، کلیه جرایم مرتبط با حوادث رانندگی یا موارد یادشده در مصوبه ۱۴ نوامبر ۱۹۳۹ در

خصوص جرایم ارتكابی در حالت مستی (ماده ۱۳۸ قانون تحقیقات جنایی). سوم، در صورتی که شعبه شورا نظر به جهات مخففه مجازات داشته باشد (مواد ۴ و ۵ قانون ۴ اکتبر ۱۸۶۷ در خصوص شرایط مخففه مجازات). در موارد اول و دوم شعبه شورا توانایی تعیین دادگاه پلیس صالح را ندارد. قرار شعبه شورا صرفاً جنبه اعلام صلاحیتی دارد که برای مثال، متهم باید در دادگاه پلیس رسیدگی شود یا دادگاه کیفری، اما در مورد سوم، دادگاه پلیس ملزم به رسیدگی است و نمی‌تواند در زمینه جهات مخففه مجازات اعلام عدم صلاحیت کند. در صورت صدور قرار ارجاع به دادگاه پلیس از سوی شعبه شورا، متهم دربند آزاد می‌شود، مگر در موارد قتل غیرعمد ناشی از حوادث رانندگی یا فرار از صحنه تصادف منجر به جراحت یا مرگ یا رانندگی و فرار در حالت مستی (ماده ۲۶ تبصره ۱ قانون ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۰ در خصوص بازداشت پیشگیرانه).

۴.۴. ارسال پرونده به دادگاه کیفری

مطابق ماده ۱۳۰ قانون تحقیقات جنایی، اگر جنحه مستوجب مجازات اصلاحی^۱ باشد^۲، متهم به دادگاه کیفری ارجاع می‌شود. اگر متهم در بازداشت باشد، شعبه شورا می‌تواند در تصمیمی جداگانه متهم را در بازداشت نگه دارد. اگر جنحه مستوجب حبس کمتر از یک سال باشد، متهم به صورت خودکار آزاد خواهد شد. این در خصوص جرایم سیاسی و مطبوعاتی که در صلاحیت دادگاه کیفری استان می‌باشد نیز صادق است؛ به استثنای جرایم نژادپرستی یا بیگانه‌هراسی. علل موجهه جرم تنها در مواردی که از سوی قانون‌گذار پیش‌بینی شده باشد، از جانب شعبه شورا قابل پذیرش خواهد بود. پذیرش علل مخففه مجازات و علل موجهه جرم، موجب تبدیل جنایت به جنحه خواهد شد. دادگاه کیفری ملزم است تصمیم شعبه شورا در زمینه شرایط مخففه مجازات و علل موجهه جرم را مورد لحاظ قرار دهد. دادگاه کیفری نمی‌تواند دو بار جهات تخفیف مجازات را اعمال کند.

برای تعیین اینکه آیا یک جرم از جرایم قابل تعدیل^۳ است یا خیر، شعبه شورا باید به‌طور موقت واقعه

۱. در حقوق کیفری بلژیک اصطلاح «مجازات اصلاحی» برای جرایم از نوع جنحه در نظر گرفته می‌شود. مجازات‌های اصلاحی شامل حبس از ۸ روز تا ۵ سال و سایر مجازات‌های اصلاحی از قبیل الزام به خدمات عمومی و جزای نقدی است.

۲. در نظام کیفری بلژیک مجازات‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند:

مجازات‌های جنایی: حبس بیش از ۲۰ سال.

مجازات‌های جنحه‌ای: حبس از ۸ روز به بالا، کار عام‌المنفعه ۴۶ ساعت یا بیشتر، و جزای نقدی ۲۶ یورو یا بیشتر.

مجازات‌های خلافی: حبس از ۱ روز تا ۷ روز، کار عام‌المنفعه از ۲۰ ساعت تا ۴۵ ساعت، و جزای نقدی از یک یورو تا ۲۵ یورو.

۳. مراد امکان‌سنجی تعدیل جنایت به جنحه است که در حقوق بلژیک از واژه Correctionnalisation استفاده می‌شود.

را ارزیابی کند. این ارزیابی قاضی رسیدگی کننده را ملزم به تبعیت نمی کند. اگر شعبه شورا ارزیابی خود از جرم را اصلاح کرد، حتی در صورت ارزیابی شدیدتر، باز هم صالح خواهد ماند؛ به شرطی که جرم در ارزیابی جدید مستعد قرار گرفتن در بین جرایم قابل تعدیل باشد. در فرض برعکس، اگر قاضی رسیدگی کننده معتقد باشد که امکان تعدیل وجود ندارد، رأی عدم صلاحیت صادر و در این صورت پرونده برای رسیدگی به صلاحیت به مرجع صالح ارسال می گردد (Screvens & Quarre, 1978: 448).

۴.۵. ارسال پرونده به دادستانی مستقر در دادگاه کیفری استان و دستور بازداشت موقت

زمانی که شعبه شورا بنا به گزارش بازپرس تشخیص داد که این اتهام ها ممکن است به مجازات کیفری منجر شود و تعدیل آن ممکن یا مطلوب نیست، دو قرار صادر می کند: قرار ارسال پرونده به دادستانی دادگاه کیفری استان، و قرار بازداشت موقت. در اولین تصمیم، شعبه شورا معتقد است که ادله و مدارک کافی علیه متهم وجود دارد و اتهام ها مستوجب مجازات کیفری هستند. بنابراین او پرونده را به دفتر دادستانی ارسال می کند تا دادستان بتواند پرونده را به شعبه کیفرخواست ارجاع دهد، زیرا مرجع صالح برای ارجاع پرونده به دادگاه کیفری استان، دادستانی مستقر در دادگاه کیفری استان است. این قرار قابل تجدیدنظر نبوده، چراکه متهم می تواند کلیه دفاع های خود را در برابر شعبه کیفرخواست مطرح نماید. در خصوص قرار بازداشت، تنها در صورتی که ادله و وضعیت خاص پرونده آن را توجیه کند صادر شده، متهم بازداشت می شود. قرار بازداشت می تواند با اجرای فوری همراه باشد. انتخاب زمان بازداشت به عهده مدعی العموم است. در خصوص جرایم سیاسی یا مطبوعاتی نیز شعبه شورا به همین ترتیب عمل می کند. همچنین هیچ یک از این دو قرار باعث ارجاع پرونده به دادگاه کیفری استان نمی شود. پرونده از طریق دادستانی دادگاه کیفری استان^۱ به شعبه کیفرخواست ارائه می شود و تنها مرجع صالح برای ارسال پرونده به دادگاه کیفری استان، شعبه کیفرخواست است.^۲

۱. دادگاه کیفری استان به فرانسوی Cour d'assises و به هلندی Hof van assisen نامیده می شود. این دادگاه صلاحیت رسیدگی به جرایم سنگین «جنایات» (شامل قتل یا شروع به قتل، ترور یا تلاش برای شروع ترور، گروگان گیری یا اعمال خلاف اخلاق عمومی) را دارد که قابل ارجاع به دادگاه کیفری بدوی نیست. جرایم سیاسی و مطبوعاتی اگرچه جنحه به شمار می روند، ولی در صلاحیت این دادگاه است.

۲. بدیهی است که شعبه کیفرخواست ملزم به پذیرش ارزیابی شعبه شورا نیست. شعبه کیفرخواست می تواند وجود شرایط مخففه جرم را بپذیرد، قرار رد صادر کند یا در خصوص ماهیت جرم اظهار نظر نماید. عبور اجباری پرونده ها از شعبه کیفرخواست، نقش «ایستگاه طبقه بندی» دادگاه های تحقیق را تقویت می کند که اهمیت بیشتری به ویژه در دادگاه کیفری دارد؛ چراکه رسانه ها و مردم اخبار مرتبط با چنین جرایمی را بیشتر دنبال می کنند.

۴.۶. دستور لغو یک عمل یا اقدام تحقیقی انجام شده (بطلان قضایی)

قانون ۱۲ مارس ۱۹۹۸ مربوط به بهبود آیین دادرسی کیفری در مرحله جمع‌آوری اطلاعات و انجام تحقیقات مقدماتی تلاش کرد که بطلان تحقیقات را روشن‌تر سازد تا این درخواست در برابر قاضی رسیدگی‌کننده مورد بحث قرار نگیرد. بنابراین، ماده ۱۳۱ قانون تحقیقات جنایی به شعبه شورا این اختیار را می‌دهد که بطلان تمام یا قسمتی از تحقیقات را در صورتی که بی‌نظمی، حذف یا دلیلی برای بطلان یک عمل تحقیقاتی یا ادله جمع‌آوری شده بیابد، اعلام کند (Vander-Meerch Voy & Klees, 1998: 440). شعبه شورا به ابتکار عمل خودش یا به درخواست یکی از طرفین در این خصوص تصمیم می‌گیرد. در صورتی که دادخواست بطلان مطرح شده در شعبه شورا رد شود، می‌توان مجدداً آن را در دادگاه و از قاضی رسیدگی‌کننده درخواست نمود^۱. ضمناً درخواست بطلان عملی که برای اولین بار نزد قاضی دادگاه مطرح شده است به دلیل عدم ارائه آن به شعبه تحقیق قابل رد نیست. بدیهی است وقتی شعبه شورا بطلان اقدامی را اعلام می‌کند، قاضی رسیدگی‌کننده نمی‌تواند برای محکومیت متهم به عمل ابطال شده، استناد کند.

اسنادی که نامعتبر اعلام شده‌اند از پرونده حذف و در دفتر دادگاه ثبت می‌شوند. این ماده با هدف جلوگیری از اطلاع قضات دادگاه - که باید به صورت ماهوی به پرونده رسیدگی کنند - از اسناد نامعتبر است؛ چراکه ممکن است بر ذهن قاضی اثرگذار باشد. قانون ۴ ژوئیه ۲۰۰۱ با اعلام اینکه چنین اسنادی قابل استناد نیستند و نمی‌توانند در دادرسی کیفری مورد استفاده قرار گیرند، این ماده را تقویت کرد. با این حال، این قانون با حکم دادگاه دآوری (دادگاه قانون اساسی فعلی) در ۸ می ۲۰۰۲ باطل گردید؛ به این دلیل که به‌طور نامتناسبی بر حقوق دفاعی شخصی که اسناد باطل شده له نفع اوست، اثرگذار است (C.A., arrêt 86/2002 du 8 mai 2002, J.T., 2002: 514, J.L.M.B., 2002: 988, T. Strafr., 2003: 246).

۴.۷. سایر اختیارات شعبه شورا

همان‌طور که قبلاً گفته شد، شعبه شورا از بدو تأسیس تاکنون دستخوش تحولات زیادی شده است. این شعبه علاوه بر احکامی که می‌تواند به‌عنوان بخشی از حل و فصل دادرسی صادر نماید، در برخی موارد به‌عنوان یک صلاحیت ماهوی واقعی مداخله می‌کند. بنابراین می‌تواند حکم بازداشت متهم را صادر کرده، یا حکم به تعلیق مجازات بدهد. همچنین نقش مهمی در سایر موارد دارد.

۱. قبل از قانون ۱۲ مارس ۱۹۹۸، شعبه شورا در چنین مواردی فقط می‌توانست اعمال نامعتبر را از بحث خارج کند و تنها شعبه کیفرخواست می‌توانست آن را باطل و بی‌اعتبار اعلام کند.

الف) بازداشت متهم به موجب قانون دفاع اجتماعی

بر اساس مواد ۱ و ۷ قانون دفاع اجتماعی (۱۹۶۴)، هنگامی که دلیلی وجود داشته باشد که متهم در حالت زوال عقل یا در وضعیت جدی عدم تعادل روانی یا ناتوانی روانی قرار دارد که او را از کنترل اعمال خود ناتوان می‌کند، شعبه شورا می‌تواند، جز در مورد جرایم سیاسی یا مطبوعاتی، دستور بازداشت متهمی را که مرتکب جنایت یا جنحه شده است صادر کند. شعبه شورا این اختیار را دارد که خطر اجتماعی متهم را ارزیابی کند که آیا دفاع از جامعه مستلزم بازداشت متهم است یا خیر و این اقدام ممکن است بنا به درخواست مدعی‌العموم یا خود متهم یا وکیل وی انجام شود. ماده ۹ قانون ۲۱ آوریل ۲۰۰۷ مربوط به بازداشت افراد مبتلا به اختلال روانی، قدرت دادگاه‌های تحقیق را برای صدور حکم در مورد بازداشت متهم حفظ می‌کند؛ بنابراین هیچ اعتراضی پذیرفته نخواهد بود.

ب) تعلیق صدور حکم

ماده ۳ قانون ۲۹ ژوئن ۱۹۶۴ مقرر می‌دارد شعبه شورا می‌تواند مانند دادگاه بدوی در صورتی که علنی بودن دادرسی موجب تنزل درجه اجتماعی متهم یا بازبایی او شود، دستور تعلیق صدور حکم را صادر کند. طبق ماده ۲ این قانون، دستور این اقدام را می‌توان به صورت رسمی به درخواست مدعی‌العموم یا متهم صادر کرد. چنین تصمیمی مبنی بر تعلیق صدور حکم تا زمانی که لغو نشده باشد، مانع از پیگیری دعوای عمومی در دادگاه‌های بدوی می‌شود (Cass., 10 novembre 1975, Pas., 1976: 314). تعلیق صدور حکم تنها برای جرایم با مجازات حبس کمتر از ۶ ماه امکان‌پذیر است و به دو نوع تعلیق ساده و تعلیق آزمایشی تقسیم می‌شود. در مورد اول، مجازات اعلام نشده، صرفاً به شناسایی فرد به عنوان متهم اکتفا می‌شود. در مورد دوم، مجازات اعلام می‌شود، ولی اجرای آن به رعایت شرایط تعیین شده، معلق می‌گردد. شعبه شورا در صورت لزوم متهم را به پرداخت هزینه‌ها، استرداد اموال و یا مصادره اموال محکوم می‌کند. به موجب بند ۲ ماده ۴ قانون ۲۹ ژوئن ۱۹۶۴، دادستان حق دارد ظرف مدت ۲۴ ساعت نسبت به تصمیم شعبه شورا در شعبه کیفرخواست تجدیدنظرخواهی کند. در صورتی که شعبه شورا به تعلیق صدور حکم نظر نداشته باشد، آیین دادرسی به روال عادی خود ادامه خواهد داد.

۵. راه‌های تجدیدنظر در خصوص تصمیمات شعبه شورا

امکان واخواهی نسبت به تصمیمات شعبه شورا که به صورت غیابی اتخاذ شده است، وجود ندارد؛ مگر اینکه حکم یادشده به ماهیت دعوی پرداخته باشد (Morlet, 1998: 93). ماده ۱۳۵ قانون تحقیقات جنایی حق تجدیدنظرخواهی دادستان و شاکی خصوصی از یک سو و متهم از سوی دیگر را در مقابل

تصمیمات شعبه شورا سازماندهی می‌کند. درحالی که حق تجدیدنظر اولی بسیار گسترده است، حق تجدیدنظر دومی به شدت محدود است.^۱ علت آن این است که در هر صورت متهم در مرحله رسیدگی حق اعتراض و دفاع از خود را خواهد داشت.

۵.۱. حق تجدیدنظر مدعی‌العموم و شاکی خصوصی

دادستان و شاکی خصوصی می‌توانند نسبت به کلیه تصمیمات شعبه شورا که ممکن است به تعقیب دعوی عمومی لطمه وارد کند، از قبیل منع تعقیب، موقوفی تعقیب^۲، تعلیق صدور حکم، تعدیل جرم از جنایت به جنحه یا از جنحه به خلاف، آزادی متهم، عدم پذیرش تعقیب یا به طور کلی هر زمان که منافع مشروع داشته باشند، اعتراض کنند. با این حال، فقط دادستان حق تجدیدنظرخواهی در برابر دستور رد درخواست اقدامات تحقیقاتی اضافی و رد درخواست بازداشت متهم را دارد. شاکی خصوصی حق دارد به طور مستقل به دادستان نسبت به دستور شعبه شورا اعتراض کند.

۵.۲. حق تجدیدنظرخواهی متهم نسبت به قرار ارجاع پرونده به دادگاه

اصل بر این است که متهم نسبت به قرار ارجاع حق اعتراض ندارد؛ بنابراین، در برابر قرار جلب به دادرسی مبنی بر وجود ادله کافی نیز حق تجدیدنظرخواهی نخواهد داشت. با این حال، چندین استثنا در قانون پیش‌بینی شده است، به ویژه در صورت عدم صلاحیت یا در مواردی که مشمول ماده ۱۳۵ قانون تحقیقات جنایی باشد.

۵.۲.۱. در صورت عدم صلاحیت

به موجب ماده ۵۳۹ قانون تحقیقات جنایی در صورت عدم صلاحیت (شخصی، ذاتی یا محلی) شعبه شورا، متهم می‌تواند درخواست تجدیدنظر خود را به شعبه کیفرخواست ارائه نماید.

۱. دادگاه قانون اساسی این تفاوت در رفتار را موجه می‌داند (C. const., arrêt 69/2001 du 30 mai 2001; C.A., arrêt 7/2007 du 11 janvier 2007).

۲. در حقوق بلژیک برای قرارهای منع و موقوفی تعقیب از واژه Ordonnance de non-lieu استفاده می‌شود که شامل مواردی است که بر اساس دلایل و قراین موجود در پرونده، عمل قابل انتساب به متهم نبوده، یا دلیل کافی برای توجه اتهام به متهم وجود نداشته و یا اینکه به دلیل فوت متهم، مرور زمان و ... امکان ادامه تعقیب و پیگیری اتهام وجود نداشته و اتاق شورا پرونده را از جریان رسیدگی خارج کرده است.

۵.۲.۲. موارد مشمول ماده ۱۳۵ قانون تحقیقات جنایی

ماده ۱۳۵ قانون تحقیقات جنایی در موارد زیر باب تجدیدنظرخواهی را باز می‌کند:

- در صورت بی‌نظمی، حذف یا ادله بی‌اعتباری که بر یک اقدام تحقیقاتی تأثیر بگذارد. اینها ابزارهایی هستند که می‌توانند در شعبه شورا مطرح شوند. برای اینکه درخواست تجدیدنظر در شعبه کیفرخواست قابل پذیرش باشد، این درخواست باید به صورت کتبی، از سوی خود تجدیدنظرخواه در شعبه شورا مطرح شود.
- عدم احضار متهم یا وکیل وی در جلسه شعبه شورا که برای حل و فصل دعوی عمومی انجام شده است.
- در صورت مرور زمان یا موارد موقوفی تعقیب یا اعتبار امر مختومه.

۵.۳. مرجع صالح و مهلت تجدیدنظرخواهی

تنها شعبه کیفرخواست صلاحیت رسیدگی به تجدیدنظرخواهی نسبت به تصمیمات شعبه شورا را دارد. درنهایت، شعبه کیفرخواست در این خصوص تصمیم‌گیری کرده، نتیجه را به طرفین ابلاغ می‌نماید. هنگامی که شعبه کیفرخواست دستور ارجاع به دادگاه بدوی را رد می‌کند، ملزم است به استناد ماده ۲۱۵ قانون تحقیقات جنایی، با بررسی ادله موجود در پرونده در مورد آن تصمیم‌گیری نماید. در صورتی که تصمیم شعبه کیفرخواست موجب بدتر شدن وضعیت متهم شود، به موجب ماده ۲۱۱ این تصمیم مستلزم اتفاق آرا خواهد بود.

مهلت تجدیدنظرخواهی برای تمامی طرفین از روز صدور تصمیم ۱۵ روز است. این مهلت، زمانی که یکی از متهمان در بازداشت پیشگیرانه باشد به ۲۴ ساعت کاهش می‌یابد. این محدودیت زمانی علیه مدعی‌العموم و هریک از طرفین از روز تصمیم شروع می‌شود. تقاضای تجدیدنظر با درخواستی به دفتر شعبه کیفرخواست تسلیم می‌شود. طرفین و وکیل آنها از مکان، روز و ساعت رسیدگی در شعبه کیفرخواست مطلع می‌شوند و حداقل ۱۵ روز قبل از این جلسه به پرونده دسترسی خواهند داشت. جلسه در شعبه کیفرخواست ترافیعی است.

۶. نتیجه‌گیری

اگر امروز حمایت از امنیت جامعه و حقوق دفاعی شخص مظنون به نقض آن، به عنوان دو هدف اصلی آیین دادرسی کیفری یاد می‌شود، نظام دادرسی کیفری بلژیک تلاش کرده است با پیش‌بینی نهادهای مختلف در فرایند کیفری از جمله شعبه شورا این دو هدف را محقق سازد. شعبه شورا به عنوان حلقه واسطه بین مرحله تحقیقات مقدماتی و رسیدگی دادگاه عمل می‌کند، به طوری که پس از انجام تحقیقات در

دادسرا و قبل از ارسال پرونده به دادگاه، به بررسی مجدد پرونده پرداخته تا از ارسال پرونده‌هایی که ادله اندکی مبنی بر مجرمیت متهم دارند، به دادگاه جلوگیری شود.

هرچند ممکن است در نگاه اول تصور شود که بازبینی مجدد پرونده در این شعبه موجب اطالة دادرسی می‌شود، ولی تلاش شده است که با پیش‌بینی مواعد مشخص، پرونده‌ها در مهلت معقول در شورا مورد رسیدگی و اتخاذ تصمیم قرار گیرند. پیش‌بینی این نهاد احتمال بروز خطا در مرحله گردآوری ادله و تحقیقات مقدماتی را کاهش می‌دهد؛ به‌ویژه آنکه این نهاد صلاحیت ابطال ادله گردآوری‌شده را نیز داراست. اختیارات نسبتاً گسترده شعبه شورا که در قالب صدور قرارهای نهایی و مقدماتی مانند منع تعقیب، جلب به دادرسی، بطلان دلیل و بازداشت موقت تجلی می‌یابد، موجب شده است که این نهاد نقش پررنگی در فرایند دادرسی کیفری بلژیک ایفا نماید.

اگرچه رسیدگی غیرعلنی این شعبه ممکن است این شبهه را ایجاد کند که الزامات دادرسی منصفانه در آن نادیده گرفته می‌شود، ولی با عنایت به اینکه رسیدگی شعبه شورا به دنبال تحقیقات بازپرس بوده، جزئی از مرحله تحقیقات مقدماتی محسوب می‌شود، لذا غیرعلنی بودن رسیدگی در این شورا فاقد ایراد است؛ چراکه غیرعلنی بودن تحقیقات مقدماتی یکی از ویژگی‌های نظام‌های مختلط است. افزون بر این، با توجه به اینکه حق اعتراض متهم، شاکی و دادستان نسبت به تصمیمات شعبه شورا پیش‌بینی شده است، لذا ایراد مطرح‌شده تا حدود زیادی برطرف و دادرسی منصفانه محقق گردیده است.

در خاتمه باید اشاره نمود، هرچند که در حال حاضر با حجم بسیار بالای پرونده‌های قضایی در ایران از یک سو و کمبود نیروی انسانی در دستگاه قضایی کشور از سوی دیگر مواجه‌ایم، پیشنهاد ایجاد نهادهای نظیر شعبه شورا در ایران کمی آرمان‌گرایانه و غیرعملی به نظر می‌رسد. اما آشنایی با عملکرد این نهاد در کشور بلژیک ما را با مزایای آن آشنا و این نهاد را در شرایط مطلوب در آینده، قابل استفاده و یا دست‌کم قابل تأمل و بررسی خواهد ساخت.

References

1. Aronstein, C.S. (1968). *Is the In Camera Hearing of the Council Chamber Illegal?*, J.T (In French).
2. Beernaert, M.A., Colette-Bassecqz, N., Guillain, C., Kennes, L., Nederlandt, O., & Vandermeersch, D. (2021). *Introduction to Criminal Procedure*, La Charte (In French).
3. Beernaert, M.A. (2010). *Criminal Procedure Law*, 6th ed., La Charte (In French).
4. Bosly, H.D., Vander-Meersch Voy, D., & Beernaert, M.A. (2010). *Criminal Procedure Law*, 6th ed., La Charte (In French).
5. Braas, A. (1979). *Treatise on Criminal Procedure*, p. 371, no. 449 (In French).
6. De Codt, J. (2006). *On the Nullities of Investigation and Judgment*, Larcier (In French).
7. De Nauw, A., Mandoux, P., & Vandermeersch, D. (2015). *Case Law Review*, *Revue de droit penal* (In French).
8. Jacobs, A. (2012). *The Concepts of Evidence and Charges in Criminal Procedure*,

- J.L.M.B (In French).
9. Kleinermann, W. (2012). *Reforms to the Council Chamber in Criminal Matters*, J.T (In French).
 10. Kutu, F. (2023). *Criminal Justice and Fair Trial: An Attempt at Systematization*, 1st ed., Larcier, Wolters Kluwer Belgium (In French).
 11. Masset, A. (1998). *Aspects of the New Rights of Victims and Injured Parties – Including the New Cause for Suspension of Public Prosecution Limitation Period*, Belgian Law of 12 March (In French).
 12. Moghaddasi, M.B., Ghasemi, E., (2021). Covid-19 Pandemic and its Impact on Criminal Proceeding (Comparative Study in France, Belgium and Iran), *Comparative Law Review*, 12 (2), 665-689 (In Persian).
 13. Morlet, P. (2010). The Dispossession of the Investigating Judge by Effect of His Report; Court of Appeal Mons (Mis. Acc.), 28 January 2010, *Revue de droit penal* (In French).
 14. Morlet, P. (1998). *The Regulation of Proceedings and the Control of Their Lawfulness – Commentary on the Belgian Law of 12 March 1998 on the Improvement of Criminal Procedure at the Investigation Stage*, La Charte (In French).
 15. Novelles, V. (1996). *Criminal Procedure*, Vol. I, Part I, p. 417, no. 275, R.P.D.B., Supplement, Vol. IX, entry "Criminal Procedure", no. 679 (In French).
 16. Screvens, R. (2015). On the Jurisdiction of Investigating Courts to Assess the Admissibility of Civil Party Actions, *Revue de droit penal* (In French).
 17. Screvens, R. & Quarre, Ph. (1978). Case Note on Cass. 1 February 1978, *Revue de droit penal* (In French).
 18. Spreutels, J., Roggen, F., & Roger-France, E. (2015). *Business Criminal Law*, Bruylant (In French).
 19. Traest, P. (2018). *Reflections on the Reform of Criminal Procedure Law*, in *De taal is gans het recht – Liber Amicorum Willy van Eeckhoutte*, Mechelen, Wolters Kluwer Belgium (In French).
 20. Vander-Meersch Voy, D., & Klees, O. (1998). *The Franchimont Reform: Commentary on the Law of 12 March 1998 on the Improvement of Criminal Procedure at the Investigation Stage*, J.T (In French).